

## انبارهای ذخیره غلات در شهرستان بدره: کارکردهای آشکار و

### پنهان<sup>۱</sup>

خداکرم مظاهری\*، رضاحقیقی\*\*

(تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۲۱، تاریخ تأیید: ۹۷/۱۱/۱۵)

### چکیده

ذخیره غلات و سایر مواد غذایی برای مصارف بلندمدت، همواره جایگاه مهمی در اقتصاد سنتی کشاورزان داشته است، در حالی که به نظر می‌رسد این مسئله در میان کوچ نشینان ایران نقش چشمگیری نداشته است. در بررسی‌های باستان‌شناسی شهرستان بدره در استان ایلام دو مجموعه انبارهای ذخیره مواد غذایی در محل چراگاه زمستانی عشایر کوچ‌رو شناسایی شده است. به نظر می‌رسد که بیشتر انبارها جهت ذخیره‌سازی گندم و بلوط ساخته شده‌اند. با توجه به سابقه زندگی کوچ‌روی در این ناحیه و نیز وضعیت جغرافیای زیست محیطی منطقه، ساخت و پیدایش سازه‌هایی از این قبیل در این ناحیه بی سابقه بوده و گویای رخداد تغییر تأثیرگذاری در روند زندگی عشایر منطقه است. از این رو، تحقیق حاضر با هدف پرداختن به چگونگی شکل‌گیری سازه‌های مذکور طراحی شد. در این تحقیق سعی شده تا با بررسی داده‌های باستان‌شناسی و منابع اسنادی موجود، زمینه‌های شکل‌گیری انبارهای مذکور مورد بحث و کنکاش قرار گیرد. یافته‌ها حاکی از این است که این انبارها در زمان پهلوی اول و هم‌زمان با قشون‌کشی‌ها و سرکوب‌های نظامی و اسکان اجباری کوچندگان ساخته شده و به نظر می‌رسد که مهم‌ترین انگیزه از ساخت این انبارها غلبه بر شیوه زندگی جدید کوچندگی اجباری و مشکلات و مسائل پیامد آن بوده است. این انبارها بازگو کننده شرایط جدید زمان پهلوی اول است که در این هنگام زندگی عشایر منطقه را تحت تأثیر قرار داد. ورود کشور به جنگ جهانی دوم، هرج و مرج ناشی از آن و ترس از وقوع قحطی در این زمان که دامنگیر قسمت‌های وسیعی از کشور شده بود، بر دامنه مشکلات عشایر یکجانشین شده افزود. در نتیجه، شکل‌گیری انبارهایی از این قبیل گویای شرایط سخت و جدید اجتماعی اقتصادی عشایر یکجانشین شده در این دوره است.

واژگان کلیدی: انبار، غلات، بدره، اقتصاد سنتی، پهلوی اول، کوچ‌نشینان.

۱ این مقاله برگرفته از تحقیقی است با عنوان «بررسی، شناسایی و تحلیل نتایج بلایای طبیعی ادوار گذشته محدوده دره سیمره که با استفاده از بودجه پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام انجام گرفته است.

\* استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، نویسنده مسئول، kh.mazaheri@yahoo.com

\*\* عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام rezahaghighy@yahoo.com

## مقدمه و طرح مسئله

از زمانی که بشر اقدام به گردآوری غذا و تولید آن نمود، ناگزیر به دلایل بسیاری اقدام به ذخیره بخشی از مواد خوراکی خود کرد. ذخیره‌سازی و انبار کردن مایحتاج زندگی یکی از دیرینه‌ترین تلاش‌های انسان برای مقابله با کمبود و یا بحران‌های مواد غذایی و کاهش آسیب‌ها به هنگام بروز آفات انسانی، طبیعی و نباتی بوده است. ذخیره‌سازی غذا همواره جزء حیاتی ساختار اجتماعی اقتصادی جوامع بوده که از دوره نوسنگی و هم‌زمان با اهلی نمودن گیاهان شروع شده است (Kuijt; Finlayson, 2009: 10996). در جریان کاوش‌هایی که در کشور اردن انجام شده، مدارکی به دست آمده که نشان می‌دهد در ۱۱۰۰۰ سال پیش غلات وحشی را در انبارهایی ذخیره می‌کردند (همان). در ادوار گذشته حتی روش‌های ذخیره‌سازی متنوعی در میان شکارچیان گردآورنده غذا وجود داشت (Morgan, 2012: 730). ذخیره غلات همواره جایگاه مهمی در اقتصاد سنتی کشاورزان داشته است (Fouad, 1987: 29). ذخیره‌سازی گندم و غلات پس از برداشت، برای مصارف بلندمدت، از زمان‌های کهن متداول بوده، مردم خاور نزدیک باستان برای نگهداری غلات خود معمولاً از خمره‌های سفالین استفاده می‌کردند. در روستای پیش از تاریخی زاغه با ۷۵۰۰ سال قدم‌تدر دشت قزوین، روستاییان کشاورز خانه‌هایی با بیش از یک واحد مسقف جهت ذخیره غلات داشتند و روستاییان دامدار دارای خانه‌هایی با بیش از یک واحد روباز برای آغل احشام بودند (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۷۱: ۱۰).

در جریان بررسی‌های باستان‌شناسی شهرستان بدره دو مجموعه انبارهای ذخیره مواد غذایی شناسایی شده است که در ناحیه قشلاقی و مرتبط با زندگی کوچندگان گذشته هستند. کوچندگان منطقه در گذشته تا زمان پهلوی اول همواره به شکل فصلی در دامنه‌های کبیرکوه ساکن می‌شدند. با بررسی سابقه زندگی کوچندگی در منطقه و نواحی پیرامون، متوجه می‌شویم که ساخت انبار جهت ذخیره‌سازی مواد غذایی توسط کوچندگان فصلی منطقه یک موضوع بی‌سابقه و کم‌نظیری است و در سایر ادوار تاریخی منطقه دیده نمی‌شود. انسان کوچنده حرکت متقابل و منظم فصلی دارد. او دارای مسکنی موقت، جمع‌کردنی و برافراشتنی است. کشاورزی در میان کوچندگان رواج چندانی ندارد و فقط بعضی از آنان به کشت مختصری در بیلاق و

قشلاق می‌پردازند (مشیری، ۱۳۸۵: ۱۱ و ۸۳). هرچند که برخی از عشایر معاصر کشورمان انبارک‌های زیرزمینی جهت ذخیره‌سازی غلات، کاه و میوه‌هایی با ماندگاری بیشتر استفاده می‌کنند (رفیع‌فر و قربانی، ۱۳۸۵: ۹۲)، با این حال غلات و حبوبات را نمی‌توان برای کوچندگان دامدار محصول پایه بحساب آورد، زیرا شرایط محیطی و ساختار معیشتی کوچندگان دامدار اجازه پرداختن به امور غیر دامداری را جز در موارد معدود و محدود نمی‌دهد. دامداران عموماً هرساله (چه در قشلاق و چه در بیلاق) در محل‌هایی مستقر می‌شدند که در گذشته بودند.

### سئوالات تحقیق

در این تحقیق ضمن معرفی و تاریخ‌گذاری انبارهای شناسایی شده در شهرستان بدره، می‌خواهیم به بررسی علل و عوامل و زمینه‌های اجتماعی تأثیرگذار در شکل‌گیری آنها بپردازیم.

۱- چه عامل یا عواملی موجب شد تا کوچندگان در ناحیه قشلاق خود به فکر ذخیره‌سازی

و ساخت انبار بیفتند؟

۲- انبارهای مورد مطالعه منعکس کننده چه شرایط جدیدی هستند؟

### روش تحقیق

این تحقیق با بهره‌گیری از روش‌های باستان‌شناسی و مردم‌شناسی انجام شده و به کمک یک روش تلفیقی مبتنی بر میدان مورد مطالعه و با استفاده از داده‌های باستان‌شناسی به بازسازی راه و روش زندگی مردم پرداخته است. در واقع شواهد زندگی انسان محصول رفتار اوست، از اینرو می‌توان تا حدی رفتار واقعی انسان‌ها را در گذشته استنباط و ثبت نمود. و همچنین با استفاده از اسناد و مدارک و داده‌های کتابخانه‌ای که بر اساس متون موجود و تحقیقات مربوطه، از طریق مطالعه و فیش‌برداری گردآوری شده است.

### چارچوب نظری

یکی از نظریاتی که برای تبیین شرایط فرهنگی جوامع در علوم اجتماعی سابقه طولانی دارد، کارکردگرایی است. بسیاری از دانشمندان، مکتب کارکردگرایی را به عنوان جریانی در مقابل دو مکتب تکامل و اشاعه قرار می‌دهند. این نظریه بر خلاف بینش‌های تکاملی و اشاعه‌گرایی که

اولی نقش اساسی را به تاریخ می‌دهد و دومی عاریت فرهنگی از نقطه‌ای به نقطه دیگر را اصل می‌داند، هر عمل اجتماعی و هر نهاد را با توجه به رابطه یا روابطی که با تمام کالبد اجتماعی دارد در نظر می‌گیرد و معتقد است عمل یا نهاد وقتی به درستی مورد پژوهش و تدقیق قرار می‌گیرد که مناسبت و سهم و کارایی آن در قبال سایر اعمال و نهادهای جامعه مشخص شود. ریشه نظریه کارکردگرایی را به شکل علمی امروز باید در نظریه‌های اجتماعی هربرت اسپنسر و آگوست کنت دنبال نمود. اسپنسر و به دنبال آن کنت و حتی امیل دورکیم اعتقاد داشتند که جوامع بشری همچون پیکرهای انسانی هستند که در آنها نهاد، رسوم، عادات و باورها، هر یک برای حفظ جامعه و وظیفه‌ای انجام می‌دهند و حتی نهاد دین نیز کارکردی در جوامع دارد که پابرجا مانده است (نوابخش، ۱۳۸۲: ۷۳).

در نظریه کارکردگرایی به تعادل بسیار اهمیت داده می‌شود و فرض می‌شود که تمام نهادها و نقش‌های جامعه با ظرافت درهم تنیده‌اند و ساختارها و نهادهای موجود در هر جامعه معین کارکردهای الزامی دارد که بدون آن جامعه از هم می‌پاشد و این ساختارها و کارکردها در هر جامعه‌ی سالمی یافت می‌شود. کارکردگرایان جامعه را نه فقط به شدت الگومند، که همچنین دارای تعادلی می‌دانند که هماهنگی، وجود یک نظام ارزشی اصلی و سازگاری درونی مبین آن است. وقتی اختلالی رخ می‌دهد ساز و کارهایی وجود دارند که جامعه را دوباره تعادل می‌بخشد و باثبات می‌سازد (بارت، ۱۳۸۷: ۸۸). اگر بتوانیم ارتباط منطقی نیازهای گوناگون را مشخص کنیم که کدامیک بنیادی‌اند، کدامیک وابسته‌اند، چگونه با هم پیوند می‌خورند و نیازهای فرهنگی وابسته چگونه به وجود می‌آیند، قادر خواهیم بود کارکردها را کامل‌تر و دقیق‌تر تعریف و تشریح کنیم. برای اینکار باید از دو اصل کمک گرفت، اولین اصل این است که هر فرهنگی باید نظام نیازهای زیستی را ارضاء کند مانند: متابولیسم، تولید مثل و... اصل دوم عبارت است از هرگونه تحقق امور فرهنگی که نیازمند کاربرد اشیاء ساخته شده و استفاده از نمادگرایی باشد، در واقع ادامه‌ی ابزاری آناتومی انسان است و به طور مستقیم یا غیر مستقیم ارضاء کننده‌ی یک نیاز جسمی می‌باشد (مالینوفسکی، ۱۳۷۹: ۲۰۸). نیاز جدیدی که با نیازهای زیستی ارتباط تنگاتنگ دارد و وابسته به آن است عامل محرک جبرگرائی‌های تازه‌ای می‌شود که با هرگونه

طرح فعالیت فرهنگی همراه است. موجودی که غذای خود را به طور مستقیم از محیط طبیعی نمی‌گیرد، با گردآوری، ذخیره و آماده‌سازی آن تغذیه می‌شود و در وضعیتی قرار می‌گیرد که اگر تسلسل امور فرهنگی در جایی گسیخته شود، نابود خواهد شد. نیازهای اقتصادی تازه در کنار ضرورت‌های صرفاً زیستی تغذیه جای می‌گیرد. از لحظه‌ای که اقناع جنسی تبدیل به زندگی مشترک پایداری می‌شود، تربیت فرزندان نیازمند استقرار دائمی زوج می‌باشد. به تدریج، انسان تابع وضعیت‌های جدیدی می‌شود که هر یک از آنها به اندازه‌ی کوچک‌ترین جزء فرآیندهای زیستی به معنای اخص کلمه برای بقاء گروه ضرورت دارد (همان، ۲۰۹).

رادکلیف براون مفهوم کارکرد را طوری تعریف می‌کند که قابلیت اعمال به ساخت اجتماعی را داشته باشد و از این روست که مکتب او را کارکردگرایی ساختی می‌نامند، منظور او این است که می‌توان به مطالعه ساخت اجتماعی (روابط موجود میان اعضای یک گروه) پرداخت و سپس به تعیین کارکرد هر یک از اجزاء رفتاری بر حسب کمکی که آن جزء در بهبود یا حفظ بقاء و سلامت گروه دارد، همّت گماشت. از این سلامت معمولاً با اصطلاحاتی چون وحدت، هماهنگی، استمرار یا همبستگی یاد می‌شود، وضعیتی که در آن کلیه بخش‌های نظام اجتماعی با یکدیگر کار می‌کنند و از هماهنگی کافی و استمرار دائمی و درونی برخوردارند (یوسفی زاده، ۱۳۸۲: ۱۷۲).

### موقعیت و پیشینه مطالعه سازه‌ها

سازه‌هایی که در این تحقیق مورد مطالعه و پژوهش قرار می‌گیرد در محدوده شهرستان بدره از توابع استان ایلام قرار دارند. این شهرستان تا قبل از سال ۱۳۹۲ ش. یکی از بخش‌های شهرستان دره‌شهر بود و از تیر ۱۳۹۲ ش. در تقسیمات کشوری به صورت یک شهرستان مستقل درآمد، از این رو، مطالعات باستان‌شناسی که تا قبل از این تاریخ در منطقه انجام گرفته، با نام شهرستان دره‌شهر گزارش شده‌اند. در واقع شهرستان دره‌شهر قبلاً از ۳ بخش بدره، مرکزی و مازین تشکیل می‌شد که بخش بدره امروزه تبدیل به شهرستان شده است و شامل دو بخش دوستان و هندمینی است. شهرستان بدره در شمال‌غربی شهرستان دره‌شهر و مرکز آن در فاصله تقریبی ۹۰ کیلومتری جنوب‌شرقی شهر ایلام قرار دارد. این شهرستان در دامنه‌های شمالی کبیرکوه واقع است.

مطالعه متون تاریخی نشان می‌دهد که ولایت مهرجان‌قذق یکی از ولایت‌های مهم غرب ایران در دوره ساسانی و قرون اولیه اسلامی، در گذشته در محدوده شهرستان دره‌شهر و به ویژه دره سیمره، شکل گرفته و دره سیمره در محدوده بخش مرکزی شهرستان دره‌شهر قرار دارد. از نظر شرایط زیست محیطی، دره سیمره غنی‌ترین منطقه شهرستان دره‌شهر است. (ابن احمد جیهانی ۱۳۶۸: ۱۰۳)، (ابن حوقل ۱۳۴۵: ۲۲ و ۱۰۲)، (اصطخری ۱۳۶۸: ۸۹) و (ابوالفداء ۱۳۴۹: ۳۵۴) موقعیت تقریبی شهر سیمره مرکز ولایت مهرجان‌قذق را در شمال و شمال‌غربی خوزستان قرار داده‌اند. لیستریج در این ارتباط چنین آورده است: «در پنجاه میلی‌خاوری ماسبدان، شهر سیمره که با سیروان بی‌شباهت نبود قرار داشت و مدت زمانی پس از خراب شدن سیروان، شهری آباد و محل آن نیز از سیروان بهتر بود. ولایت مهرجان‌قذق که محیط بر سیمره بود، در قرن چهارم به کثرت نعمت شهرت داشت» (۱۳۸۳: ۲۱۸). اغلب پژوهشگران (مانند راولینسون، ۱۳۶۲: ۶۴ - ۶۷؛ لک‌پور، ۱۳۷۸: ۱۹۰؛ شهبازی، ۱۳۹۱: ۶۹؛ Stein, 1940:206) ویرانه‌های شهر تاریخی دره‌شهر را که در جنوب‌غربی شهر دره‌شهر قرار دارد، همان شهر سیمره دانسته‌اند. در جریان بررسی‌های باستان‌شناسی منطقه دو مجموعه انبارهای ذخیره غلات بر روی دیواره‌های صخره‌ای دو مورد از تنگه‌های کبیرکوه به نام تنگه زید و تنگه گنجه شناسایی شده که به معرفی آنها می‌پردازیم (تصویر ۱). این انبارها که در ناحیه قشلاق کوچندگان فصلی منطقه واقع اند، برای اولین بار در جریان بررسی‌های باستان‌شناسی که طی سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ ش. در این منطقه انجام شده، شناسایی و مطالعه شده و پیش از آن، در هیچ جایی از آنها نام برده نشده است.



شکل ۱: موقعیت تنگه زید و تنگه گنجه (برگرفته از سایت google)

۱. انبارهای تنگه زید: در جنوب روستای زید، یکی از روستاهای بخش هندمینی از توابع شهرستان بدره، تنگه صخره‌ای بسیار زیبایی دیده می‌شود که بر روی دیواره‌های صخره‌ای دو طرف ورودی، به ویژه ضلع غربی این تنگه حدود ۴۰ انبار در ترکیب و هماهنگ با دیواره صخره‌ای کوه ساخته شده است که از زیبایی‌های هنر معماری منطقه در ادوار گذشته به شمار می‌آیند (مظاهری، ۱۳۹۰: ۴۸). این سازه‌ها در موقعیت طول جغرافیایی  $E 33^{\circ} 14' 40''$  و عرض جغرافیایی:  $N 47^{\circ} 11' 12''$  و در فاصله تقریبی ۲۵۰-۲۰۰ متری جنوب غرب روستای زید و در جنوب شرقی شهرستان بدره واقع‌اند (همان). این انبارها اولین بار در فصل سوم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان دره شهر در سال ۱۳۸۵ ش. با نام «مجموعه معماری روستای امامزاده زید» شناسایی و مورد مطالعه قرار گرفت (حسینی، ۱۳۸۶: ۱-۱۲). بررسی‌ها حاکی از این است که پیش‌تر در منابع هیچ اشاره‌ای به انبارهای تنگه زید نشده است.

۲. انبارهای تنگه گنجه: مجموعه انبارهای تنگه گنجه در موقعیت طول جغرافیایی  $24^{\circ} 33' E$  و  $34''$  عرض جغرافیایی:  $46^{\circ} 51' 01'' N$ ، در منطقه عمومی کُرزا و در فاصله ۹۰۰ متری جنوب جاده دره‌شهر - ایلام، بر روی دیواره صخره‌ای ابتدای ضلع غربی تنگ گنجه شکل گرفته است. منطقه کُرزا در حوزه بخش دوستان و در شمال‌غربی شهرستان بدره قرار دارد (مظاهری، ۱۳۹۰: ۱۸۹-۱۹۹). این مجموعه نیز اولین بار در فصل پنجم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان دره‌شهر در سال ۱۳۹۰ ش. با نام «مجموعه تنگ گنجه» مورد شناسایی و مطالعه قرار گرفت و پیش‌تر در منابع هیچ اشاره‌ای به آن نشده است (همان).

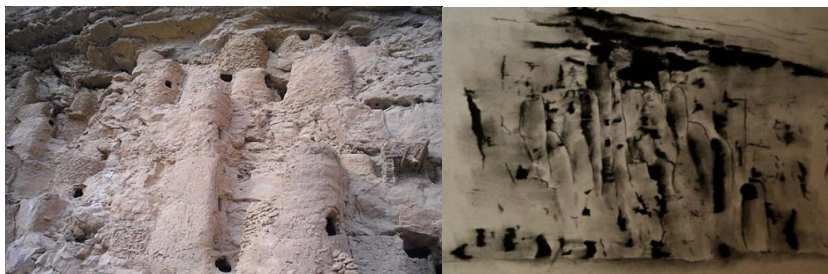
### ویژگی‌های معماری و کارکرد سازه‌ها

مصالح به کاررفته در ساخت انبارهای تنگه زید و انبارهای تنگه گنجه همگون است، لیکن شکل انبارهای این دو مجموعه متفاوت است و به نظر می‌رسد که ساختار و شکل دیواره‌های صخره‌ای که سازه‌ها را بر روی آنها ساخته‌اند، در شکل نهایی سازه‌ها موثر بوده است. مصالح به کار رفته در ساخت این سازه‌ها لاشه، قلوه‌سنگ، ملات گچ نیم‌کوب و چوب است که به فراوانی در منطقه وجود دارد. روی سطح بیرونی دیواره اکثر سازه‌ها و در مواردی روی هر دو سطح دیواره‌ها را با ملات گچ اندود گرفته‌اند. در هر دو مجموعه به منظور ریختن و برداشتن مواد انبار شدنی مورد نیاز، یک یا دو دریچه روی انبارها تعبیه شده است.

انبارهای تنگه زید در میان اهالی به نام «تاپو» خوانده می‌شوند. تعداد آنها بالغ بر ۴۰ عدد است. این انبارها به شکل متراکم و انبوه و در مجاور هم بوده و عمدتاً بر روی ضلع غربی دیواره صخره‌ای تنگه زید که آفتابگیر بوده و سطح صاف و همواری دارد، ساخته شده‌اند. انبارهای مذکور صرفاً برای انبار و ذخیره غلات شامل گندم و بلوط ساخته شده است. بنا به گفته اهالی روستا در یک مورد از انبارها در گذشته نمک ذخیره می‌شده است. شکل انبارهای تنگه زید نسبتاً همگون بوده و غالباً بر روی سطح نسبتاً هموار دیواره صخره‌ای به شکل نیم دایره‌ای به قطر حدود ۱ تا ۲ متر و به ارتفاع ۱ تا ۳ متر احداث شده‌اند. سقف انبارها صاف یا مخروطی شکل است. این انبارها در راستای عمودی و معمولاً در بالای همدیگر ساخته شده‌اند. فاصله



برخی از انبارها از سطح زمین به حدود ۱۰ متر می‌رسد. در کنار انبارهای تنگه زید بقایای دو آسیاب نیز وجود دارد (همان: ۴۷-۵۵).



شکل ۳: طرح نمونه انبارهای تنگه زید (مظاهری، ۱۳۹۴: شکل ۱)

شکل ۲: نمونه انبارهای تنگه زید (مظاهری، ۱۳۹۴: تصویر ۱)

روستای زید دو بافت معماری قدیم و جدید دارد که به فاصله ۱۰۰ متری از هم واقع شده و حد فاصل آنها، مسیل فصلی قرار دارد. امروزه بخش قدیمی روستا خالی از سکنه است و روستاییان بخش جدید از برخی از اتاق‌های روستای قدیم به عنوان انبار علوفه استفاده می‌کنند. بخش قدیم معماری منسجم و منظمی دارد که مصالح سنگ‌های تراشیده، سنگ لاشه و رودخانه‌ای، ملات گچ نیم‌کوب، چوب و کاهگل در ساخت آن به کار رفته است. بافت روستای قدیم از اتاق‌های هم‌قربنه در ردیف‌های منظم شکل گرفته است. ساخت این ساختمان‌ها به دوره پهلوی اول بر می‌گردد. بخش قدیمی روستای زید تنها روستا در منطقه بوده که در آن زمان با شیوه معماری شهری ایجاد شده است. این خانه‌ها در ارتباط با موضوع اسکان اجباری کوچندگان منطقه ساخته شده‌اند و به احتمال زیاد با انبارهای تنگه زید هم‌زمان هستند. این قبیل روستاها صرفاً جهت اسکان اجباری کوچندگان ساخته شده، شکل ظاهری و هویت واقعی یک روستا را نداشتند (پوریختیار، ۱۳۸۷: ۵۲).



شکل ۵: تصویر هوایی از روستای قدیمی زید (مظاهری، ۱۳۹۰: تصویر ۳)

شکل ۴: روستای قدیمی زید (مظاهری، ۱۳۹۴: تصویر ۲)

انبارهای تنگه گنجه بر خلاف انبارهای تنگه زید، به شکل پراکنده بر روی دیواره صخره‌ای به طول حدود ۲۵۰ متر ساخته شده‌اند. شکل سازه‌ها، نحوه قرارگیری بقایای معماری، موقعیت آنها و همچنین ارتفاع آنها از کف پادامنه متفاوت است. در ابتدای ضلع غربی دیواره صخره‌ای تنگ گنجه و بر روی دیواره صخره‌ای آن چند غار وجود دارد که در درون و کف غارها و نیز در پیرامون آنها بر روی دیواره تنگه، در نقاطی که در اثر فعالیت‌های زمین‌شناسی فرورفتگی‌های کوچک اشکفت مانندی ایجاد شده و انبارهای متعددی در ترکیب با ناهمواری‌های دیواره صخره‌ای ساخته شده است. در واقع، علاوه بر این که درون غارها انبار ساخته شده، بر روی دیواره صخره‌ای نیز در هر قسمتی که فرورفتگی طبیعی وجود داشته و مناسب تشخیص داده شده، در سطح آن و بر روی فرورفتگی انبار ساخته‌اند و از فضای درون فرورفتگی‌ها برای ساخت انبار استفاده شده است. با مطالعه شکل و اندازه انبارهای تنگه گنجه متوجه می‌شویم که برخی از انبارهای تنگ گنجه جهت ذخیره غلات و احتمالاً برخی دیگر جهت ذخیره علوفه احشام ساخته شده‌اند. انبارهای تنگ گنجه به شکل پراکنده و تنک هستند و غالباً حجم سازه‌ها کوچک و ناهمگون بوده و صرفاً بر اساس شکل ناهمواری‌های دیواره صخره‌ای و نیز وضعیت درون غارها ساخته شده‌اند. از آنجایی که فرورفتگی‌های اشکفت مانند کم عمق روی دیواره صخره‌ای به شکل افقی گسترش یافته‌اند، بیشتر سازه‌ها نیز در راستای این فرورفتگی‌ها و به شکل افقی گسترش یافته‌اند. عمق فرورفتگی‌های دیواره صخره‌ای کوه و ارتفاع آنها یکسان نیست. انبارها با توجه به عمق و ارتفاع فرورفتگی‌ها و در راستای آنها در نقاطی ساخته شده‌اند

که از بارش باران و نفوذ رطوبت در امان باشند. از طرف دیگر موقعیت سازه‌ها کاملاً آفتابگیر است. ارتفاع بعضی از سازه‌ها از کف پادامنه به بیش از ۱۰ متر می‌رسد و غیر قابل دسترسی هستند. در گذشته برای ساخت آنها از پلکان و نرده‌های چوبی بهره برده‌اند و در برخی موارد نیز بر روی کف غارها اقدام به ساخت تاپو نموده‌اند. ارتفاع این تاپوها حدود ۳-۲/۵ متر است و قطر آنها در پائین به حدود ۳ متر می‌رسد، لیکن در بالا به شکل کله قندی کم شده و حالت گنبدی به خود گرفته‌اند.



شکل ۷: طرح نمونه انبارهای تنگه گنجه (مظاهری، ۱۳۹۴: شکل ۲)

شکل ۶: نمونه انبارهای تنگه گنجه (مظاهری، ۱۳۹۴: تصویر ۴)

انبارها را به شکلی ساخته‌اند که محتویات انبارها در مقابل بارش نزولات جوی در امان باشند. از سوی دیگر انبارها عمدتاً آفتابگیر بوده و در فصل زمستان دیواره‌های آنها سریع‌تر خشک می‌شده است. در فصل تابستان نیز به دلیل خنک بودن دیواره‌های صخره‌ای و درون غارها، گرمای منطقه آسیب جدی ایجاد نکرده است. ساخت انبارها در این موقعیت موجب شده که مواد ذخیره شده از آفات نباتی مانند موریانه، سوسک و حشرات به دور باشند. بیشتر انبارهای مورد مطالعه جهت ذخیره و نگهداری گندم و بلوط ساخته شده‌اند، افزون بر این، به نظر می‌رسد که در برخی از انبارهای تنگه گنجه در گذشته علوفه انبار شده است. میوه بلوط از گذشته‌های بسیار دور به شکل طبیعی در منطقه می‌روید. جنگل‌های مناطق غرب و شمال‌غرب ایران رویشگاه اصلی درختان بلوط کشور است (مجدوبی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۷۲). در قدیم از میوه بلوط، آرد و نوعی نان تهیه می‌کردند و یا آن را برشته و مصرف می‌کردند

(افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۶۶-۶۷). از میوه بلوط برای غذای دام نیز استفاده می‌شود. از سوی دیگر ویژگی‌های سلامت‌زایی متعددی که مصرف میوه بلوط برای انسان دارد، به خوبی به اثبات رسیده است (مجدوبی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۷۱ و ۲۷۲). نتایج تحقیقات انجام شده حاکی از این است که می‌توان از آرد بلوط در تهیه نان استفاده کرد. حتی امروزه در برخی مناطق کشور از آرد بلوط در تهیه نان‌های سنتی استفاده می‌شود (همان: ۲۷۹ و ۲۷۳).

### تاریخ‌گذاری سازه‌ها

در قرن چهارم ه. ق. زمین‌لرزه شدیدی در منطقه رخ داد که موجب نابودی ولایت مهرجان‌قذق گردید (مسعودی، ۱۳۸۱: ۱۴ و ۴۸؛ لیسترینج، ۱۳۸۳: ۲۱۸). مطالعات باستان‌شناسی نشان می‌دهد که زمین‌لرزه مذکور موجب متروکه شدن منطقه تا مدت‌های مدید شده است. پس از این زلزله. شهر تاریخی دره‌شهر اهمیت خود را از دست داد. مدارک مکشوفه حاکی از آن است که پس از این واقعه، سالیان سال زندگی شهری از دره سیمره رخت بر بسته و این منطقه تبدیل به سکونتگاه موقت کوچندگان گردید (لک‌پور، ۱۳۷۸: ۲۰۹ و دومرگان، ۱۳۳۹: ۱۹۰-۱۹۱). تا این که در سده اخیر، به دلیل یکجانشینی تدریجی کوچندگان منطقه، شهر جدید دره‌شهر در کنار ویرانه‌های شهر تاریخی دره‌شهر بر پا شد (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۱۲). در جریان بررسی‌های باستان‌شناسی منطقه هیچ‌گونه آثاری مربوط به گستره زمانی قرن ۵ ه. ق. تا دوره قاجاریه شناسایی نشده و در واقع بخش مرکزی شهرستان دره‌شهر و تمام شهرستان بدره در این دوره طولانی متروکه بوده است (مظاهری، ۱۳۸۵؛ ۱۳۹۰: ۲۳۵؛ شهبازی، ۱۳۸۵: ۱۴۸ - ۱۵۰). از سوی دیگر، به نظر می‌رسد زلزله‌های قرون ۳ و ۴ ه. ق. حتی باعث متروک شدن محوطه‌های نواحی جنوبی کبیرکوه نیز شده است (محمدی‌فر و مترجم، ۱۳۹۰: ۸۴؛ مرادی، ۱۳۸۹: ۹۰).

در نتیجه مطالعه متون تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسی مشخص می‌گردد که دره سیمره به دلیل غنای اراضی زراعی و در ابتدا جهت بهره‌وری از این اراضی، در اواخر دوره قاجاریه مورد توجه قرار می‌گیرد. اولین شخصی که در ارتباط با مطالعات باستان‌شناسی، دره سیمره و منطقه بدره را بازدید نموده، سرهنری راولینسون است که در سال ۱۲۱۵ ش. در طی مسافرت خود از منطقه ذهاب به سمت خوزستان، از این مناطق عبور کرده است. راولینسون در مسیر خود در

عبور از منطقه بدره به قبور کوچندگان، لم یزرع بودن و ساکنان بسیار کم منطقه اشاره می‌کند (راولینسون، ۱۳۶۲: ۶۲ و ۶۳). ایشان به هنگام عبور از دره سیمره چنین آورده: «جلگه سیمره به وسیله ۳۰۰ خانوار از عمده پشته‌کوه کشت می‌شود و همچنین محل قشلاق ۱۰۰۰ خانوار از ایلات لرستان است» (همان: ۶۴). همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، پیشینه شناسایی و مطالعه انبارهای مورد مطالعه به سال‌های اخیر بر می‌گردد و در نوشته‌های راولینسون و دیگر محققانی که در دوره‌های قاجار و پهلوی از منطقه دیدن نموده‌اند، هیچ اشاره‌ای به سازه‌های مذکور نشده است. بارون دوئد نیز به هنگام عبور از منطقه در سال ۱۲۲۰ ش. که از شرق شهرستان دره‌شهر گذشته، در جای جای گفته‌هایش به کوچ‌نشینان چادرنشین منطقه اشاره می‌کند (دوئد، ۱۳۷۱: ۳۸۸ و ۳۹۱). ژاک دومرگان در سال ۱۲۷۰ ش. در جریان انجام مطالعات جغرافیایی در منطقه غرب ایران، در ضمن عبور از دره سیمره، اطلاعات مفیدی را برای باستان‌شناسان فراهم ساخت. ایشان به هنگام عبور از منطقه چنین می‌آورد: «در میان این مناطق باز هم بی‌سکنه، حیوانات باز غنی‌تر از گیاهانند و ... رنجور از سفری اینقدر طولانی و خسته از مراقبت و احتیاطات دائمی برای حفظ خود در برابر حملات کوچندگان بارها در این صحرای مشجر و درختدار برای استراحت اسب‌هایمان توقف کرده، خود نیز می‌آسودیم و به شکار می‌پرداختیم (دومرگان، ۱۳۳۹: ۱۹۵-۱۹۶). ایشان در جایی دیگر در اشاره به دره سیمره چنین آورده: «منطقه مراتع زمستانی، در تابستان صحرایی سوزان است که هیچ‌کس نمی‌تواند در آن زندگی کند، در حالی که در فصل سرما در اینجا شخص از آب و هوای بسیار مطبوع بهره‌مند است. به محض فرار رسیدن گرمای خرداد ماه، علف دوباره می‌خشکد، حیوانات دره سیمره را ترک و کوچ‌نشینان مراتع متروکه را پشت سر خود می‌سوزانند، تا علف‌های بد و حیوانات موذی را از بین برده و مانع شوند که در غیاب آن‌ها دیگری - هرکس باشد - قلمرو آن‌ها را اشغال کند و این محل‌ها گرمسیر نامیده می‌شوند، یعنی مناطق گرم یا مراتع زمستانی، در مقابل، مراتع تابستانی یا بیلاق‌ها در ارتفاعات زیاد واقع‌اند. گرمسیرها را در تمام دره سیمره و در بخش اعظمی از شوش می‌بینیم» (همان: ۱۹۰-۱۹۱). همان‌طوری که ملاحظه می‌گردد سراسر مناطق شهرستان‌های دره‌شهر و بدره تا اواخر قرن ۱۳ ش. جزو مناطق قشلاقی کوچندگان بود. قسمت عمده جمعیت مناطق

پشتکوه و پیشکوه که از ویرانگری‌های مغول و تیمور جان به در برده بودند، تا اواخر دوره قاجاریه به شیوه معیشت کوچندگی روی آوردند (مورتنسن، ۱۳۷۷: ۵۰).

در زمان آقا محمدخان قاجار، محدودهٔ سیطره حکومتی والیان لرستان به منطقه پشتکوه به مرکزیت حسین‌آباد (شهر ایلام امروزی) محدود گردید و از این دوره به بعد والیان، به «والیان پشتکوه» مشهور شدند. در زمان حکومت والیان پشتکوه، به ویژه در اواخر دوره قاجار، منطقه دره‌شهر نیز توسط یکی از تیره‌های قومی منطقه که مورد حمایت والیان پشتکوه بودند، به نام «میرهای هاشمی» اداره می‌شد (خیتال، ۱۳۶۹: ۲۸۲-۲۸۳). در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار اراضی سیمره متعلق به دولت بوده و در آنجا انبارهای دولتی برای ذخیره‌سازی غلات ساخته شده بود (والیزاده معجزی، ۱۳۸۰: ۸۷). بهمن کریمی به هنگام عبور از منطقه شیخ مکان دره‌شهر، در مورد زمین‌های زراعی پیرامون تنگه شیخ‌مکان چنین آورده: «این زمین‌ها را زمین والی می‌گویند زیرا به غلامرضاخان والی پشتکوه تعلق داشته و او به طایفه میرها بخشیده است و اکنون (زمان پهلوی اول) دو حکومت دارد یکی سرهنگ علی‌اکبرخان درخشان که در حسین‌آباد پشتکوه می‌باشد و دیگری غلامرضاخان از طایفه میر هاشمی که در دره‌شهر منزل دارد» (۱۳۲۹: ۱۱۹-۱۲۰).

دره سیمره تا اواخر دوره قاجار مورد توجه جدی قرار نمی‌گیرد و تا سال ۱۲۷۰ ش. صرفاً مأمّن قشلاق کوچندگان است و فقط عملی والیان پشتکوه به شکل فصلی اراضی منطقه را کشت می‌کردند. با این حال، به نظر می‌رسد که شهرستان بدره حتی بعد از این زمان، همچنان چراگاه قشلاقی کوچندگان بوده است. تا این که هنگام پایان عمر سلسله قاجار و واگذاری حکومت به پهلوی اول می‌رسد. در زمان حکومت پهلوی اول منطقه غرب ایران به دلایل متعدد، به ویژه به علت اسکان اجباری کوچندگان و مشکلات پی‌آمد آن، دچار هرج و مرج کامل گردید (مورتنسن، ۱۳۷۷: ۸۲-۸۳). مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی حاکی از این است که انبارهای مورد مطالعه تحت تأثیر قشون‌کشی‌ها و سرکوب‌های نظامی و اسکان اجباری کوچندگان و تهدیدات و مشکلات مربوطه شکل گرفته‌اند.

### زمینه‌های پیدایش انبارهای ذخیره غلات

بزرگ‌ترین ضربه به کوچندگان ایران در دوره پهلوی اول وارد آمد. پهلوی اول پس از روی کار آمدن در طول ۱۲ سال (۱۳۰۰-۱۳۱۲ ش) بیشتر ایلات کشور را تحت فشار قرار داد و با حملات نظامی و کشتارهای بیرحمانه آنها را سرکوب و در مناطق قشلاقی یا بیلاقی یکجانشین نمود. متأسفانه به علت این که یکجانشینی کوچندگان بدون برنامه و بدون بررسی‌های لازم و صرفاً به خاطر مسائل سیاسی انجام گرفت، خسارات جبران ناپذیری به بار آورد (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۴: ۲۳۷). طرح اسکان اجباری یا تخت قاپو کردن بدون هر گونه مطالعات و تحقیقات کارشناسی و تنها از سوی دستگاه‌های نظامی و امنیتی عملی گردید. نگاه دولت به مسئله اسکان اجباری کوچندگان نگاهی امنیتی و نظامی بود و هیچ‌گونه امکانات و یا تمهیداتی برای رفاه و آسایش کوچندگان اسکان داده شده در نظر گرفته نشده بود (پوریختیار، ۱۳۸۷: ۵۳). نیروهای نظامی با زور، با پاره کردن سیاه‌چادرهای کوچندگان کتک زدن افراد خانواده‌ها و ... آنها را مجبور به اسکان می‌کردند (کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۳۹). از نظر پهلوی اول ایلات و عشایر عناصر شرور و چپاولگری بودند که در پروژه کلان نوسازی ایران عاملی بازدارنده و به همین جهت سزاوار خشونت و سرکوب بودند (واعظ شهرستانی، ۱۳۸۸: ۱۲۵). اقداماتی چون خلع سلاح و اسکان اجباری کوچندگان در همین راستا صورت گرفت (کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۳۰).

ارتش پهلوی اول در سال ۱۳۰۱ ش. به لرستان قشون‌کشی نمود. تأثیر سرکوب نظامی و اسکان اجباری کوچندگان برای فرهنگ و ساختار جامعه کوچندگان خرد کننده بود (مورتسن، ۱۳۷۷: ۸۲ - ۸۳ و ۸۴). ایلات و عشایر لر مبارزه خود ضد سیاست عشایری دولت (در اجرای سیاست خلع سلاح) را از سال ۱۳۰۲ ش. شروع کردند. این مبارزات در سال ۱۳۱۲ ش. که دولت با خلع سلاح و تبعید و اعدام سران عشایر لر و اعمال حکومت نظامی، بر لرستان سلطه مطلقه یافت، پایان یافت (واعظ شهرستانی، ۱۳۹۰: ۲۸۳-۲۸۴). دولت مرکزی در اجرای سیاست‌های خود در لرستان متحمل بیشترین خونریزی و کشتار گردید به طوری که جنگ‌های لرستان یکی از خون‌بارترین و پر تلفات‌ترین جنگ‌ها میان دولت مرکزی و ایلات و عشایر بود (شهسواری و نجار، ۱۳۹۳: ۵۴ و ۵۶). اختصاص بیش از دوسوم مصوبات مجلس برای سیاست

اسکان، در مورد لرها نشان از خصلت تمرد و مرکز‌گریزی ایلات لر در آن هنگام دارد (واعظ شهرستانی، ۱۳۸۸: ۱۲۶). این در حالی است که بیش از نیمی از تصویب‌نامه‌ها و بخشنامه‌های هیأت وزرا دوره پهلوی اول مربوط به ساماندهی امور ایلات و عشایر لر بود (همان).

در کنار اقدامات متعدد پهلوی اول علیه کوچندگان مسئله اسکان اجباری موجب تلف شدن بسیاری از دام‌ها گردید (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۴: ۲۴۱)، با کوتاه کردن دست عشایر از مراتع و چراگاه‌های مختلف در بیلاق و قشلاق، بسیاری از احشام آنان تلف شد (کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۳۹). جهت جلوگیری از کوچ کوچندگان بین مراتع قشلاقی و بیلاقی، تمام ایل‌راه‌های آنان را مسدود می‌کردند (شهسواری و نجار، ۱۳۹۳: ۵۸). عشایر موظف و مجبور بودند برای خود روستا تأسیس نمایند و خانه بسازند. آنان به اجبار از زندگی کوچندگی و دامپروری خود بریده بودند، اما نحوه معیشت جدیدشان هم مشخص نبود (پوربختیار، ۱۳۸۷: ۳۸). مجبور شدند به کشاورزی بپردازند و از آنجایی که به دلایل مختلف در امور کشاورزی بازدهی محصولات بسیار کم بود، ناگزیر برای تأمین هزینه‌های زندگی، مجبور به هیزم‌شکنی و زغال‌فروشی شدند (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۴: ۲۴۱).

از جمله مشکلاتی که ایلات به هنگام اسکان اجباری با آن مواجه بودند، نامناسب بودن محل سکونت بود (کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۳۹). در بسیاری از نواحی محل اسکان اجباری کوچندگان صرفاً مناسب زندگی دامداری و آن هم فقط در یک فصل (قشلاق یا بیلاق) بود و اراضی آن نواحی قابل کشت و زرع نبود. اراضی مجاور تنگه‌های زید و گنجه که محل ساخت انبارهای مورد مطالعه هستند، کاملاً ناهموار و سنگلاخی بوده و مناسب کشاورزی نیستند و به نظر می‌رسد که عمدتاً میوه بلوط در این انبارها ذخیره می‌شده که به شکل خودرو و به فراوانی در منطقه می‌روید.

یکی دیگر از مشکلاتی که کوچندگان یکجانشین شده به هنگام اسکان اجباری با آن مواجه بودند فشار بیش از حد مأمورین نظامی و مالیاتی بود که در خیلی از موارد منجر به شورش آنان می‌گردید. در جریان طرح اسکان اجباری عشایر تعدادی از عشایر لرستان از جمله طایفه رشنو دست از زندگی کوچندگی برداشته و یکجانشینی برپایه اقتصاد کشاورزی را اختیار کردند، اما بر



اثر فشار بیش از حد مأمورین نظامی و مالیاتی بر اهالی لرستان، به ویژه در مناطق کوهدشت، طرحان، بالاگریوه و کبیرکوه تا سیمره، نارضایتی علیه حکومت مرکزی بالا گرفت. در نتیجه قیام بزرگی در سال ۱۳۰۶ ش. به عنوان قیام طرحان به وقوع پیوست (شهسواری و نجار، ۱۳۹۳: ۵۸). در سال ۱۳۰۸ ش. در نتیجه همین فشارها، مردم پشتکوه شورش کرده و حسین آباد توسط عشایر به محاصره درآمد (واعظ شهرستانی، ۱۳۹۰: ۲۸۴؛ سعیدی و کرمی، ۱۳۹۱). در جریان طرح اسکان اجباری عشایر منطقه، طایفه بیرانوند ملزم می‌شود که به سیمره (دره‌شهر) کوچ نماید، در آنجا اسکان یافته و به کشت و زرع بپردازد. این شیوه تا سال ۱۳۰۹ ش. ادامه داشت تا این که هنگام برداشت محصول در این سال، قوای دولتی حاصل زراعت طایفه را به غارت بردند و طایفه بیرانوند شورش نمود (واعظ شهرستانی، ۱۳۹۰: ۲۸۵).

از دیگر دغدغه‌های دائمی کوچندگان یکجانشین شده ترس از وقوع قحطی بود که بزرگان ایلات و عشایر آن زمان به این موضوع کاملاً آگاه بوده و در سال‌های قبلی آن را تجربه کرده بودند. در ایران دوران معاصر حداقل در سه مقطع بحران اجتماعی ناشی از قحطی نان قابل ذکر است: قحطی دوره ناصرالدین شاه قاجار، قحطی بزرگ دوره احمدشاه قاجار به هنگام جنگ جهانی اول و بحران نان در اواخر دوره پهلوی اول هم‌زمان با جنگ جهانی دوم در سال‌های ۱۳۲۰ - ۱۳۲۱ ش. (آبادیان، ۱۳۹۰: ۱). هم‌زمان با سلطنت ناصرالدین قاجار قحطی شدیدی ایران را در خود فرو برد و به دنبال آن، طاعون و وبا در سراسر مملکت شیوع یافت و موجب تلفات فراوانی گردید. آمار مختلفی در مورد میزان تلفات این قحطی ذکر شده که حتی تا سه میلیون نفر نیز می‌رسد (کتابی، ۱۳۹۰: ۱۷۰؛ Seyf, 2010: 296). در زمان سلطنت احمدشاه قاجار و هم‌زمان با جنگ جهانی اول شدیدترین قحطی قرون اخیر در ایران رخ داد به طوری که حدود ۴۰ درصد از جمعیت کشور از بین رفتند. دامنه این قحطی که در جریان آن حدود ۸-۱۰ میلیون نفر از جمعیت کشور تلف شدند، به نواحی غرب کشور مانند اسلام‌آباد، ماهیدشت، کرمانشاه و همدان نیز کشیده شد (مجد، ۱۳۸۷: ۱۸ و ۵۴-۵۵). در اواخر دوره پهلوی اول با این که سال ۱۳۲۰-۱۳۲۱ ش. سال پر بار و پر محصولی بود، لیکن هم‌زمان با جنگ جهانی دوم و ورود متفقین به کشور بحران نان اوج گرفت (آبادیان، ۱۳۹۰: ۲). در گذشته همواره روش‌های سنتی

ذخیره‌سازی غلات راه حل مناسبی جهت مقابله با قحطی‌های احتمالی بوده است ( Fouad, 1987: 29). لذا هم‌زمان با جنگ جهانی دوم تهدیدات بیشتری دامنگیر عشایر شد و مشاهده می‌گردد که کوچندگان یکجانشین شده منطقه به خاطر نگرانی از قحطی نان و ترس از کمبود مواد غذایی، مبادرت به ساخت انبار در دامنه‌های کبیرکوه برای ذخیره‌سازی مایحتاج ضروری خود نمودند. این انبارها احتمالاً محل ذخیره‌سازی غلاتی مانند گندم بوده که یا از مناطق دیگر به اینجا آورده شده، یا این که محصول سال‌های پربارانشان بوده است یا این که با جمع‌آوری میوه درختان بلوط پر می‌شده‌اند.

### نتیجه‌گیری

جوامع انسانی با توجه به بسترهای زیست محیطی و با گذشت زمان و کسب تجارب لازم، شیوه‌های گوناگون معیشتی اتخاذ نموده‌اند. شیوه زندگی چراگاه‌گردی یکی از مهم‌ترین شیوه‌های زندگی است که از گذشته تاکنون مورد توجه بسیاری از اجتماعات بوده است. بروز هر گونه تغییر و تحول در روند زندگی اجتماعات انسانی می‌تواند پیامد نقش عوامل مختلف طبیعی، زیست محیطی، سیاسی و نظامی باشد. بررسی داده‌های باستان‌شناسی و منابع اسنادی حاکی از این است که دامنه‌های کبیرکوه در هزاره گذشته، به ویژه در قرون اخیر نقش مهمی را به عنوان چراگاه زمستانی عشایر کوچرو منطقه ایفا نموده و دارای امکانات بالقوه مناسبی جهت تعلیف احشام کوچندگان بوده است. طرح اسکان اجباری برای کوچندگان ایران، به ویژه عشایر لرستان یک بلای انسانی به شمار می‌آید که در جریان آن آسیب‌ها و لطمات انسانی، فرهنگی و اقتصادی بی‌شماری به زندگی کوچندگی تحمیل گردید. بلایای انسانی در هر مقطعی از تاریخ ایران که به وقوع می‌پیوست، بی‌تردید مجموعه‌ای از نتایج و پیامدهای مخرب و زیان‌بار در ابعاد و زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، و حتی سیاسی برجای می‌نهد. در این میان تأثیرات اقتصادی و اجتماعی آن امر محسوس‌تری نسبت به پیامدهای دیگر بود. علت این مسئله نیز در این امر نهفته بود که مردم و زندگی آنان تحت تأثیر مستقیم آن قرار داشت. به نظر می‌رسد مهم‌ترین انگیزه از ساخت انبارهای مورد مطالعه تسهیل و غلبه بر شیوه زندگی جدید یکجانشینی اجباری و مشکلات و مسائل پیامد آن بوده است. در واقع انبارهای ذخیره‌سازی

منعکس کننده شرایط جدیدی مانند خلع سلاح، تبعید، سوزاندن سیاه‌چادرها، اعدام سرکردگان ایلات، بستن گذرگاه‌ها و ایل‌راه‌های اصلی، اجبار به ترک زندگی کوچندگی و ممانعت از کوچ عشایر و اجبار به استقرار در بناهای جدید یا محل‌های جدید و فشار مأموران نظامی و مالیاتی بود که در زمان پهلوی اول به زندگی ایلات و عشایر تحمیل گردید. ورود کشور به جنگ جهانی دوم، هرج و مرج ناشی از آن و ترس از وقوع قحطی در این زمان که دامنگیر قسمت‌های وسیعی از کشور شده بود، مشکلات کوچندگان یکجانشین شده را دوچندان نمود. لذا به نظر می‌رسد که شکل‌گیری انبارهای مورد مطالعه در مناطقی که قبلاً چراگاه زمستانی عشایر کوچ‌رو بوده و در زمان پهلوی اول به اجبار یکجانشین شدند، گویای شرایط اجتماعی اقتصادی جدید و کارکردی است که در آن زمان داشته است و امروزه با از بین رفتن ضرورت کارکردی آن برای جامعه کوچ نشین منطقه، استفاده از آنها دیگر به فراموشی سپرده شده است.

## منابع

- آبادیان، حسین (۱۳۹۰)، «غلات و تاریخ اجتماعی ایران در جنگ دوم جهانی»، *تحقیقات تاریخی اجتماعی*، سال ۱، شماره ۲: ۱-۲۰
- ابن احمد جیهانی، ابوالقاسم (۱۳۶۸)، *اشکال العالم*، ترجمه‌ی علی بن عبدالسلام کاتب، مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری، مشهد: آستان قدس رضوی
- ابن حوقل (۱۳۴۵)، *صورت الارض*، ترجمه‌ی جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران
- ابوالفداء (۱۳۴۹)، *تقویم البلدان*، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۶۸)، *مسالك و ممالک*، به اهتمام ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۲)، *ایلام و تمدن دیرینه آن*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۸۴)، *کوچ نشینی در ایران*، تهران: انتشارات آگاه
- بارت، استنلی (۱۳۸۷)، *نظریه و روش در انسان‌شناسی*، ترجمه‌ی شاهده سعیدی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی

- پوریختیار، غفار (۱۳۸۷)، «رضاشاه و طرح اسکان اجباری عشایر بختیاری»، مسکویه، دوره ۲، شماره ۸: ۳۳-۵۶
- خیتال، جعفر (۱۳۶۹)، *مجموعه آراء در مورد سرزمین پشتکوه ایلام*، ایلام: ناشر کتابخانه اسماعیلی
- حسینی، سجاد (۱۳۸۶)، *گزارش فصل سوم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان دره‌شهر (بخش بدره)*، ایلام: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام (منتشر نشده)
- دوئد، بارون (۱۳۷۱)، *سفرنامه لرستان و خوزستان*، ترجمه‌ی محمدحسین آریا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- دومرگان، ژاک (۱۳۳۹)، *جغرافیای غرب ایران*، ترجمه و توضیح کاظم ودیعی، تبریز: انتشارات چهر
- راولینسون، سرهنری (۱۳۶۲)، *سفرنامه راولینسون*، ترجمه‌ی سکندر امان‌الهی بهاروند، تهران: انتشارات آگاه
- رفیع‌فر، جلال‌الدین؛ قربانی، حمیدرضا (۱۳۸۵)، «از کوچندگی تا یکجانشینی: رویکرد باستان‌مردم-شناختی بر خاستگاه خانه و استراتژی معیشتی در دوره نوسنگی»، *نامه انسان‌شناسی*، سال ۵، شماره ۹: ۸۴-۱۱۶
- سعیدی، گلناز و کرمی، شایان (۱۳۹۱)، *زمینه بروز شورش ایلات پشتکوه (ایلام)*، فرهنگ ایلام، دوره ۱۳، شماره ۳۶ و ۳۷: ۱۱۱-۱۲۵
- شهبازی، سیاوش (۱۳۸۵)، *گزارش فصل اول بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان دره‌شهر*، ایلام: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام (گزارش منتشر نشده)
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱)، «تیین گاه‌نگاری پیش از تاریخ دشت سیمره»، *گزارش‌های باستان‌شناسی ۸* (ویژه‌نامه مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران: حوزه غرب، کرمانشاه، آبان ۱۳۸۵)، تهران: میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشگاه
- شهسواری، ثریا؛ نجار، سعید (۱۳۹۳)، «بررسی تأثیر سیاست‌های نوسازی رضاشاه بر ایلات و عشایر لرستان»، *پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران*، سال ۲، شماره ۳: ۵۲-۶۶
- کاظمی، ظریفه (۱۳۹۳)، «بررسی وضعیت ایلات فارس در زمان رضاشاه»، *پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران*، سال ۲، شماره ۲: ۱۲۸-۱۴۵
- کتابی، احمد (۱۳۹۰)، «درآمدی بر بررسی علل اجتماعی قحطی‌ها در ایران»، *جامعه پژوهشی فرهنگی*، سال ۲، شماره ۱: ۱۶۹-۱۹۰
- کریمی، بهمن (۱۳۲۹)، *راه‌های باستانی و پایتخت‌های قدیمی غرب ایران*، تهران

- لکپور، سیمین (۱۳۷۸)، «معرفی خانه اربابی»، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، جلد ۱، به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۸۷-۲۱۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، *کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی دره شهر (سیمره)*، تهران: پازینه.
- لیسترینج، گای (۱۳۸۳)، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه‌ی محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.
- مالدیونوفسکی، برونیسلاو (۱۳۷۹)، *نظریه‌ای علمی درباره فرهنگ*، ترجمه‌ی عبدالحمید زرین قلم، تهران: گام نو.
- مجلد، محمدقلی (۱۳۸۷)، *قحطی بزرگ (۱۲۹۶ - ۱۲۹۸ ش.)*، ترجمه محمد کریمی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
- مجذوبی، مهسا؛ مرتضوی، سیدحمید؛ اسدی یوسف‌آبادی، سید حسین؛ فرحناکی، عسگر (۱۳۹۲)، «اثرات آرد بلوط بر ویژگی‌های خمیر و نان بربری»، *پژوهش‌های صنایع غذایی*، جلد ۲۳، شماره ۲: ۲۷۱-۲۸۰.
- محمدی‌فر، یعقوب و مترجم، عباس (۱۳۹۰)، «جولیان آتشکده نویافته ساسانی در آبدانان ایلام»، *باغ نظر*، سال هشتم، شماره ۱۹: ۷۷-۸۷.
- مرادی، ابراهیم (۱۳۸۹)، «بررسی و تحلیل شهرها و آبادی‌های ناشناخته شهرستان آبدانان در قرون اولیه اسلامی»، *فقه و تاریخ تمدن*، سال ششم، شماره ۲۳: ۸۴-۱۱۲.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۸۱)، *التنبیه و الاشراف*، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی
- مشیری، سیدرحیم (۱۳۸۵)، *جغرافیای کوچ‌نشینی*، تهران: انتشارات سمت
- مظاهری، خداکرم (۱۳۸۵)، *گزارش فصل دوم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی دره سیمره*، سه جلد، ایلام: جهاد دانشگاهی واحد استان ایلام (گزارش منتشر نشده)
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، *گزارش فصل پنجم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان دره شهر (بخش بدره)*، ایلام: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام (منتشر نشده)
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴)، *گزارش بررسی، شناسایی و تحلیل نتایج بلایای طبیعی ادوار گذشته در محدوده دره سیمره*، ایلام: معاونت پژوهشی و فن‌آوری دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام (منتشر نشده)

- ملک شه میرزادی، صادق (۱۳۷۱)، «تپه زاغه: تحلیلی اجمالی از عملکرد منازل مسکونی»، *باستان‌شناسی و تاریخ*، سال ۶، شماره ۱ و ۲: ۱۲-۲
- مورتسن، اینگه دمانت (۱۳۷۷)، *کوچ‌نشینان لرستان*، ترجمه‌ی محمد حسین آریا، تهران: انتشارات پژوهنده
- نوابخش، مهرداد (۱۳۸۲)، *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های مردم‌شناسی*، اراک: مولف
- واعظ شهرستانی، نفیسه (۱۳۸۸)، *نهادها و شیوه‌های خط‌مشی‌گذاری عشایری در دوره پهلوی اول*، پژوهش‌های تاریخی، دوره جدید، شماره ۴: ۱۰۹-۱۳۰
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، *انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی شورش‌های عشایری در دوره رضاشاه، پیام بهارستان*، سال ۴، شماره ۱۴: ۲۸۳-۳۰۴
- والیزاده معجزی، محمدرضا (۱۳۸۰)، *تاریخ لرستان روزگار قاجار*، تهران: حروفیه
- یوسفی زاده، محمدعلی (۱۳۸۲)، *تاریخ اندیشه‌ها و آراء انسان‌شناسی و مردم‌شناسی*، تهران: یسپرون
- Fouad, N. I., (1987), **Combating Famine by Grain Storage in Western Sudan**, *Geo Journal*, 14(1): 29-35
- Kuijt, I. ; Finlayson, B., (2009), **Evidence for Food Storage and Predomestication Granaries 11000 Years Ago in the Jordan Valley**, *PNAS*, 106(27): 10966 – 10970
- Morgan, C., (2012), **Modeling Modes of Hunter-Gatherer Food Storage**, *American Antiquity*, 77(4): 714 –736
- Seyf, A., (2010), **Iran and the Great Famine, 1870 - 72**, *Middle Eastern Studies*, 46(2): 289 -30
- Stine, S.O, (1940), **Old Routs in Western Iran**, New York: Green Wood Press